

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۶، بهار و تابستان ۱۴۰۳، شماره ۳۱

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۱۲۱-۱۵۲

نقد و بررسی روایت «اسقونی شربة من الماء» از منظر دانش‌های حدیثی

محمد رضا شاهرودی*

محمد فراهانی**

چکیده

بر اساس منابع تاریخی روایی، یکی از سخنان به‌جای‌مانده از امام حسین (ع) در آستانه شهادت ایشان در روز عاشورا، عبارت «اسقونی شربة من الماء» به‌منظور «درخواست آب» توسط آن حضرت از دشمنان خود است. با وجود این، برخی در صحت انتساب این سخن به امام تردید کرده و آن را موضوع خوانده‌اند؛ چه اینکه ایشان این سخن را با روحیه عزتمند آن بزرگوار که در عباراتی همچون «هیئات منا الذلة» تبلور یافته، در تضاد دانسته‌اند. در رفع تعارض پیش‌آمده قابل ذکر است که این سخن در قریب به اتفاق منابع معتبر فریقین، به ثبت رسیده است. ابن سعد در طبقات، نخستین بار آن را با عبارت «عطش الحسین فاستسقی»، سپس دینوری با تعبیر «و عطش الحسین فدعا بقدر من ماء» و دیگران با دیگر عبارات مشابه، در آثار خود آورده‌اند تا سرانجام معاصران فراوانی از جمله سید نعمت‌الله جزایری در *الانوار العثمانیه* و شیخ عباس قمی در *نفس المهموم* با اتباع از سید بن طاوس آن را نقل کنند. نظر به اینکه درخواست آب در راستای انجام تکلیف و رسالت الهی بوده و ذلت در اطاعت و یا نافرمانی از دستورات خداوند است، نیز بر مبنای استوار شیعی «لطف بودن وجود امام (ع)» و «وجوب حفظ نفس» - گرچه تا زمانی اندک و متوقف بودن این دو بر آب طلبیدن توسط امام - برهان مخالفان روایت بودن سخن مذکور ناتمام می‌نماید؛ از دیگر سو، این روایت با عرضه به سنتی فعلی و قولی از رسول خدا (ص) که مفید مضمون فوق است، تأیید می‌شود؛ چه آنکه رسول خدا (ص) در این روایت به دنبال تشنگی خود و یاران، طلب آب کرده و فرموده است: «... هَلْ مِنْ مُغِيْبٍ بِالْمَاءِ...» همچنین در سنجش این روایت با دلیل عقل درمی‌یابیم که نه تنها هیچ تضادی بین این دو وجود ندارد، بلکه عقل مستقل به واسطه اینکه این روایت خود حاوی اتمام حجت و هدایت بدین واسطه برای دین‌خواست، بر آن صحه می‌گذارد؛ آن سان که در سیره عقلا آب طلبیدن برخلاف دیگر درخواست‌ها امری آمیخته با ذلت نیست.

کلیدواژه‌ها: امام حسین (ع)، عاشورا، کربلا، اسقونی، نقد حدیث، استسقا.

* دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران / mshahroodi@ut.ac.ir

** استادیار، گروه معارف، دانشگاه انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / Yasekabood.org@gmail.com

۱. مقدمه

روایات منسوب به امام حسین علیه السلام مهم‌ترین منبع شناخت هویت حقیقی قیام الهی آن حضرت است که به‌طور عمده دارای منابع معتبر و مستند به روایان موثق، و بر این پایه محل وثوق دانشمندان به‌ویژه پژوهشگران حوزه عاشورا هستند؛ اما برخی دیگر از روایات^۱ منقول از ایشان با وجود ذکر آن در منابع متعدد، توسط بعضی از منتقدان، در حوزه سخنان جعلی و غیرمستند قرار گرفته‌اند. از این میان می‌توان از عبارت «اسقونی شربة من الماء» یاد کرد که مخالفان انتساب آن را به امام بر نمی‌تابند؛ زیرا ایشان بر این باورند که این سخن با شأن امام و روح عزتمند حسینی که در دیگر شعارهای آن حضرت همچون «یهیات منا الذلة» تجلی یافته است، تعارض دارد. برای نمونه از سخن یکی از معاصران یاد می‌شود که در نفی صدور آن از امام چنین می‌گوید: «فخرالدین طریحی این سخن ساختگی را نیز از زبان امام حسین علیه السلام نقل کرده است که تنها می‌تواند مطلوب طبع کسانی واقع شود که همه‌چیز را در گریه و عزاداری خلاصه می‌کنند و گونه این حدیث مجعول را سند و مدرکی نیست. مفهوم ذلت‌بار و توهین‌آمیز آن، حضرت ابوالاحرار و پیشوای رادمردان را که به حق "سرور آزادگان" و "امام العزّة" خوانده شده است، هرگز نشاید و تناسبی با روح حسینی ندارد» (صحتی سردرودی، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۴). البته در مقابل این دیدگاه، پاره‌ای از اندیشمندان معاصر قرار دارند که با عباراتی مشعر به روایت بودن، از این جمله سخن به میان آورده‌اند؛ علاوه بر انبوهی از عالمان پیشین که در آثار خود از این سخن به‌عنوان گفته مسلم امام یاد کرده‌اند. بنابراین میان پژوهشیان پیشین و معاصر که در میان ایشان آیت الله مطهری نیز به‌عنوان مخالف انتساب این سخن به امام حسین علیه السلام قرار دارد، تباین جدی مشاهده می‌شود. لذا جا دارد در پژوهشی مستقل به این سخن منتسب به امام، سیر نقل و نقد مضمون آن با لحاظ ابزارهای کارآمد مذکور در دانش نقد الحدیث پرداخته شود.

درباره روایت «اسقونی شربة من الماء» کتاب یا مقاله‌ای که به‌طور مستقل به آن پرداخته باشد، یافت نشد؛ اما تألیفاتی که با نگاه انتقادی به واقعه عاشورا پرداخته‌اند، به این سخن اشاره و آن را نقد و بررسی کرده‌اند. از جمله این آثار کتاب حماسه حسینی تألیف استاد مطهری است که این سخن را مورد انتقاد قرار می‌دهد. همچنین در مقالاتی چون «نهضت حسینی و رسالت

نقد و بررسی روایت «اسقونی شربة من الماء» از منظر دانش‌های حدیثی، محمدرضا شاهرودی و محمد فراهانی ۱۲۳

مبلغان دینی» (موگهی، ۱۳۸۴)، «کتاب‌شناسی توصیفی- انتقادی پیرامون تحریف‌های عاشورا» (آلاندوزی، ۱۳۸۱)، «آسیب‌شناسی مجالس عزاداری» (بابایی، ۱۳۸۶)، «تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام با رویکردی کتاب‌شناسانه» (صحتی سردرودی، ۱۳۸۳) و «بازخوانی چند حدیث مشهور درباره عاشورا» (همو، ۱۳۸۵)، «سیری در مقتل نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۳)» (رنجبر، ۱۳۸۶) و «نقل‌های مجعول و مشهور» (موسوی، ۱۳۸۲) از این سخن به‌عنوان سخن ساختگی یاد شده است. البته در مقابل این دسته از تحقیقات، سید محمد نجفی یزدی (۱۳۸۸) در بخشی از مقاله «تأمل در کتاب عاشورا پژوهی» به این روایت اشاره کرده و به انتقاد صحتی سردرودی درباره آن پاسخ داده است.

این آثار به عبارت «اسقونی شربة من الماء» اشاره کرده و به اختصار آن را مورد بحث و بررسی قرار داده، اما به‌صورت جامع به نقد و تحلیل سندی و دلالتی آن نپرداخته‌اند؛ به همین سبب این مقاله در جست‌وجوی پاسخ به دو سؤال برمی‌آید: نخست اینکه آیا جمله «اسقونی شربة من الماء» از جمله احادیث ساختگی و منتحل به امام حسین علیه السلام است؟ و دو دیگر اینکه آیا محتوای این عبارت با روح عزتمند حسینی مشهود در شعارهای آن حضرت همچون «هیئات منا الذلة» تعارض دارد؟

۲. ناقلان و منتقدان اسقونی...

در نقل‌های مختلف تاریخی منابع متقدم و متأخر فریقین، با اختلاف در الفاظ، آمده است که امام حسین علیه السلام لحظاتی قبل از شهادت از شدت عطش، آب طلب کردند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۴۷۲؛ الدینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۸؛ الاصفهانی، بی تا: ۱۱۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۶ق: ۵۲؛ طبری، ۱۳۵۶ق: ۱۴۴؛ سید بن طاوس، ۱۳۴۸: ۱۲۴-۱۲۹؛ ابن‌نما، ۱۴۰۶ق: ۳۸؛ شوشتری، ۱۴۱۴ق: ۱۱۸؛ الزنجانی، ۱۳۹۵ق: ۲۴۸-۲۴۷؛ طریحی، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ۴۵۱-۴۵۲؛ جزایری، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۲۵۶؛ قمی، ۱۴۲۱ق: ۵۳-۵۴). چنان‌که خواهد آمد، در بین کتاب‌ها و مقالات تألیف‌شده درباره سخنان امام حسین علیه السلام، مطالب مختلفی در رد و قبول این روایت آمده است. برخی از منابع اصیل و متقدم، مضمون «آب طلب کردن» امام حسین علیه السلام را با عباراتی مختلف نقل کرده‌اند و برخی از کتاب‌ها و مقالات معاصر این مفهوم را مورد نقد قرار

داده و آن را با شأن و عزت معصوم علیه السلام که در شعار «هیئات منا الذلة» تبلور یافته، در تعارض دانسته‌اند که در ادامه به نقل آراء ایشان پرداخته می‌شود.

۲-۱. منتقدان

برخی از پژوهشگران بر این باورند که جمله «اسقونی شربة من الماء»، در زمره احادیث جعلی است و عده‌ای آن را ساخته و پرداخته و به امام نسبت داده‌اند. بنابراین به این روایت، دو اشکال اساسی را وارد دانسته‌اند: نخست آنکه این جمله سند معتبری ندارد و در منابع معتبر یافت نمی‌شود و اشکال دیگر اینکه محتوای آن را با روح عزت‌مدار و ذلت‌ستیز حسینی علیه السلام ناسازگار یافته‌اند. در این مجال به سخن برخی از صاحبان این عقیده نگاهی گذرا افکنده می‌شود:

در نوشته‌های عالمان پیشین نشانی از مخدوش بودن انتساب این سخن و غیرممکن بودن صدور آن از شخصی چون حسین بن علی علیه السلام مشاهده نمی‌شود و نخستین کسی که «آب طلب کردن» امام حسین علیه السلام را مورد انتقاد قرار می‌دهد، استاد شهید مطهری است که مدعی است جمله «اسقونی شربة من الماء» در مقاتل وجود ندارد. وی معتقد است: «حسین کسی نبود که از آن مردم چنین چیزی طلب کند» (مطهری، بی‌تا: ۱۸۷). با استناد به سخن ایشان محمد صحتی سردرودی نیز نسبت به مضمون این جمله تشکیک کرده و بیان این سخن را از جانب امام حسین علیه السلام، که ابوالاحرار و سرور آزادگان است، غیرممکن می‌داند (صحتی سردرودی، ۱۳۸۱: ۱۲۵-۱۲۸). صحتی سردرودی در مقاله دیگری، بار دیگر این روایت را مورد انتقاد قرار می‌دهد (ر.ک: همو، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۴).

از دیگر محققانی که با استناد به سخن استاد مطهری، انتساب جمله «اسقونی شربة من الماء» را به امام حسین علیه السلام بعید دانسته‌اند، می‌توان از سید محمد موسوی (۱۳۸۲: ۱۳۱)، عبدالرحیم موگهی (۱۳۸۴: ۱۶۹) و رضا بابایی (۱۳۸۶: ۲۸) نام برد که مأخذ این روایت را ضعیف و محتوای آن را با سیره امام در تعارض می‌بینند. محسن رنجبر نیز در سیر بررسی مقتل‌نگاری عاشورا، از جمله «اسقونی شربة من الماء» به‌عنوان تحریف‌های مهم برخی از مقاتل یاد می‌کند (رنجبر، ۱۳۸۶: ۹۸ و ۱۰۲).

۱-۲. ناقلان^۲

روایت «اسقونی شربة من الماء» با این تعبیر و عباراتی همسو با آن، توسط عالمان و مؤلفان و نویسندگانی که از بازه زمانی متقدمان آغاز و به دوره متأخران کشیده و سرانجام به معاصران منتهی می‌شود، نقل شده است که برخی از ایشان با لحاظ سابقه زمانی عبارت‌اند از:

۱. محمد بن سعد (م ۲۳۰ق) در الطبقات الكبرى را می‌توان اولین ناقل مضمون عبارت «اسقونی شربة من الماء» به صورت «عطش الحسين فاستسقى» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۴۷۲) دانست.

۲. احمد بن داود دینوری (م ۲۸۲ق) در الاخبار الطوال، این روایت را با عبارات «و عطش الحسين فدعا بقدح من ماء» (الدینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۸) آورده است.

۳. ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق) در مقاتل الطالبیین، به صورت «و جعل الحسين يطلب الماء» (الاصفهانی، بی تا: ۱۱۷) آورده است.

۴. عبدالرحمن بن علی بن جوزی (م ۵۱۰ق) در الزد علی المتعصب العنید من ذم یزید با عبارت «و طلب الحسين ماء یشربه» (ابن جوزی، ۱۴۲۶ق: ۵۲) آورده است.

۵. محب‌الدین طبری (م ۶۱۵ق) در ذخائر العقبی عبارت «اسقونی شربة من الماء» به صورت «اسقونا ماء» (طبری، ۱۳۵۶ق: ۱۴۴) نقل کرده است.

۶. سید بن طاووس (م ۶۶۴ق) در اللهوف، دیگر ناقل مضمون عبارت «اسقونی شربة من الماء» به صورت «فاستسقی فی تلك الحال ماء» (سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۲۴-۱۲۹) است.

۷. ابن‌نما حلّی (م ۶۸۰ق) در مئیّر الأحزان و مئیّر سبیل الأشجان با عبارات «... ثُمَّ قَصَدُوهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَرْبِ وَ جَعَلُوهُ شَلْوًا مِنْ كَثْرَةِ الطَّعْنِ وَ الضَّرْبِ وَ هُوَ يَسْتَقِي شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ...» (ابن‌نما، ۱۴۰۶ق: ۳۸) به مفهوم آب طلب کردن امام حسین علیه السلام اشاره کرده است.

۸. شیخ جعفر شوشتری (م ۱۳۰۳ق) در کتاب الخصائص الحسينیه روایت مورد بحث را با عبارات «اسقونی قطرة من الماء؟...» (شوشتری، ۱۴۱۴ق: ۱۱۸) نقل کرده است.

۹. سید ابراهیم موسوی زنجانى در کتاب وسیلة الدارين فی انصار الحسين علیه السلام می‌نویسد: «ینادی: واغربتاه! واعطشاه!...» (الزنجانی، ۱۳۹۵ق: ۲۴۷-۲۴۸).

۱۰. فخرالدین محمد طریحی در المنتخب، روایت فوق را با عین عبارت «اسقونی شربة

من الماء» (طریحی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۴۵۱-۴۵۲) نقل کرده است.

۱۱. سید نعمت الله جزایری در الانوار النعمانیة با عبارت «...ینادی: واعطشاه...» به مفهوم

روایت مورد بحث ما اشاره می کند (جزایری، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۲۵۶).

۱۲. شیخ عباس قمی در کتاب نفس المهموم نیز به روایت منقول با عبارات «...ینادی:

واعطشاه...» (قمی، ۱۴۲۱ق: ۵۳-۵۴) اشاره کرده است.

علاوه بر منابع فوق در تمامی موسوعه های تألیف شده در دهه های اخیر و مؤلفان مقتل نگار

معاصر نیز این جمله با ضبط های مختلف آمده است که به سبب رعایت اختصار از ذکر آنها

صرف نظر می شود.

۳. نقد و ارزیابی «اسقونی شربة من الماء» و پاسخ منتقدان

برای نقد و بررسی متون روایی، توسط پژوهشگران علوم حدیث، سنججه هایی وضع شده که

برخی از آنها مربوط به انتساب احادیث است و بعضی درباره نقد متن از این حیث، روش های

نقد حدیث شامل نقد بیرونی و نقد درونی (دلالی یا متن محور) می شود (سلیمانی، ۱۳۸۵:

۶۷). در این بخش جمله «اسقونی شربة من الماء» بر همین مبانی مورد نقد و ارزیابی قرار

گرفته است.

۳-۱. نقد سندی روایت «اسقونی شربة من الماء»

جمله «اسقونی شربة من الماء» در منابع متقدم و متأخر که هویت تاریخی داشته و مؤلفانشان،

معلوم، سرشناس و از عالمان روشمند بوده اند، با عبارات های نقل شده دیگر، اندک تفاوتی

دارد. از میان مآخذ متقدم، کتب زیر را که مضمون این حدیث را با عبارات مختلفی روایت

کرده اند، می توان نام برد:

الف) چنان که بیان شد، محمد بن سعد (م ۲۳۰ق) اولین ناقل مضمون عبارت «اسقونی

شربة من الماء» به صورت «...عطش الحسین فاستسقی...» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۴۷۲)

در کتاب الطبقات الكبرى است که از جانب علمای رجال توثیق شده است؛ چنان که خطیب

بغدادی درباره او می گوید: «محمد بن سعد عندنا من اهل العدالة» (خطیب بغدادی،

۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۶۹) و ابن ابی حاتم از قول پدرش (از قدمای رجال یون سنی) او را راستگو

نقد و بررسی روایت «اسقونی شربة من الماء» از منظر دانش‌های حدیثی، محمدرضا شاهرودی و محمد فراهانی ۱۲۷

10.22052/HADITHI.2022.246715.1222

دانسته است (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۳: ۲۶۲) و همچنین او را ابن خلکان با عبارات «احد الفضلاء النبلاء الاجلاء» (ابن خلکان، بی تا، ج ۴: ۳۵۱)، ذهبی با تعابیر «الحافظ العلامة الحجة» (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۶۶۴) و ابن حجر با جمله «واحد الحفاظ الکبار الثقات المتحرین» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۱۰: ۱۸۲) می ستایند. محمد بن سعد در طبقات برای نخستین بار آگاهی‌های مهم و ارزشمندی را به صورت مسند درباره شخصیت‌های تاریخ اسلام تا قرن سوم هجری، در اختیار ما قرار می دهد که نقل مستند واقعه عاشورا جزئی از آن است. او در ذکر اسناد خود به ابومخنف اشاره می کند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۴۳۷) که قدیمی ترین مورخ مورد قبول شیعه و اهل سنت در نقل واقعه عاشورا است^۳ و همین امر بر ارزش اثر او می افزاید. در ادامه به تفکیک، راویان موجود در اسناد نه گانه وی همراه با گزارشی درباره راویان وی، مقرون به ذکر مآخذ آن بیان می شود:

ابن سعد در مقتل خود، عبارت «عطش الحسین فاستسقی» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۴۷۲) را از این افراد نقل می کند:

۱. محمد بن عمر واقفی: «کان یتشیع حسن المذهب» (ابن ندیم، بی تا: ۱۴۴)، از ابن ابی ذئب: «ثقة فقیه مشهور» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۹۶)، از عبدالله بن عمیر: «ثقة» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۵: ۳۴۳):

۲. عبد الله بن محمد بن عمر بن علی: «مقبول» (خرگوشی، ۱۴۲۴ق، ج ۵: ۳۳۷)، از پدرش محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب: «صدوق» (همان):

۳. یحیی بن سعید بن دینار سعدی: از پدرش که ترجمه‌ای از این دو راوی یافت نشد؛

۴. عبدالرحمن بن ابی الزناد: «ثقه»، از ابو وجزة سعدی: «ثقه» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۶: ۱۷۳)، از علی بن حسین؛

۵. گروهی دیگر غیر از ایشان از جمله علی بن محمد مدائنی: «ثقه» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۵۴)، از یحیی بن اسماعیل ابن ابی المهاجر: «لیس به بأس» (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۴: ۱۲۶)، از پدرش اسماعیل بن ابی المهاجر: «من الثقات العلماء» (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۲۱۳):

۶. از لوط بن یحیی غامدی: که نجاشی او را «شیخ أصحاب الاخبار بالکوفة ووجههم»

۱۲۸ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۲۱-۱۵۲

(نجاشی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۲۰) توصیف کرده، از محمد بن بشیر همدانی که شیخ طوسی او را از «من اصحاب الصادق (علیه السلام)» (طوسی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۲۸۳) دانسته و جز او؛

۷. از محمد بن حجاج: «لیس بثقة» (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۳: ۲۳۴) از عبدالملک بن عمیر: «ثقة فقیه» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۶: ۴۱۲)؛

۸. از هارون بن عیسی: که از او به عنوان «اصحاب امام صادق (علیه السلام)» (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳: ۲۳۳) یاد کرده اند، از یونس بن ابی اسحاق: «احد علماء الصادقین» (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۲۶)، از پدرش؛

۹. از یحیی بن زکریا بن ابی زائده: «الحافظ، العلم، الحجة» (همان، ج ۸: ۳۳۷)، از مجالد بن سعید که نسائی او را «ثقة» (همان، ج ۶: ۲۸۶) دانسته، از شعبی که او را ابن داود: «الفقیه» (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۹: ۱۹۳) خوانده؛

چنان که دیده شد، اکثر قریب به اتفاق راویان عبارت «عطش الحسین فاستسقی»، مورد اعتماد علمای رجال اند و با عبارات مختلفی ستوده شده اند.^۴

ب) ناقل دیگر مضمون «اسقونی شربة من الماء»، احمد بن داود دینوری (م ۲۸۲ق) در کتاب بسیار ارزشمند الاخبار الطوال است که نقل های منحصر به فرد و دست اول تاریخی مهمی را در بر دارد. دینوری این روایت را با عبارات «و عطش الحسین فدعا بقدر من ماء» (الدینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۸) نقل می کند. او گرچه روایات خود را مرسل و بدون ذکر سلسله سند ارائه می کند، تعبیر «قالوا» پیش از هریک از این گزارش های تاریخی، محقق را به وثوق صدور یا خبری و احیاناً متواتر بودن چنین گزارش هایی رهنمون می سازد. با وجود این، نگاه های دیگر عالمان به شخص وی، میزان اعتماد به مؤلف را بیشتر نمایش می دهد: ابن ندیم او را با عبارت «و ثقة فیما یرویه معروف بالصدق» (ابن ندیم، بی تا: ۱۱۶)، مسعودی با تعبیر «و کان أبوحنیفة هذا ذا محل من العلم کبیر» (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۲۰۲)، قفطی با وصف «معروفا بالصدق» (قفطی، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۷۶) و یاقوت حموی با عنوان «نوادیر الرجال» (حموی، ۱۴۰۰ق، ج ۳: ۲۸) می ستایند. دینوری بیشتر روایات خود را از هیثم بن عدی نقل می کند که از قدمای علم تاریخ در قرن دوم و مرجع نقل های مورخانی چون یعقوبی، ابن قتیبه، بلاذری، طبری و مسعودی به حساب می آید و بنا بر نقل خطیب بغدادی، هیثم بن عدی از

نقد و بررسی روایت «اسقونی شربة من الماء» از منظر دانش‌های حدیثی، محمدرضا شاه‌رودی و محمد فراهانی ۱۲۹

امور مردم و اخبارشان دارای آگاهی‌های قابل‌اعتنایی بوده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ۵۲).

ج) ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق) نیز در مقاتل الطالبیین، عبارت «اسقونی شربة من الماء» را به صورت «و جعل الحسین یطلب الماء» (الاصفهانی، بی تا: ۱۱۷) نقل کرده است. از مقتل ابوالفرج و اظهار برخی از رجالیون به دست می‌آید که او شیعه بوده (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۱۵۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۲۱) و از جانب آن‌ها توثیق شده است؛ چنان‌که ذهبی درباره او می‌نویسد: «کان بحرأفی نقل الآداب... و کان بصیراً بالأنسب و أيام العرب» (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶: ۲۰۲) و شیخ حر عاملی او را با عباراتی چون «من أعیان الأدباء و کان عالماً... و کان شیعیاً خیراً» (حر عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۸۱) می‌ستاید. اگرچه ابوالفرج در جریان واقعه عاشورا از عمار دهنی و جابر جعفی نقل به شیوه حدیثی روایت کرده، بیشترین نقل او از ابومخنف است و یک روایت به نقل از امام زین العابدین علیه السلام، نه روایت از قول امام باقر علیه السلام و چهار روایت منقول از امام صادق علیه السلام آورده است (رفعت و رحمان ستایش، ۱۳۹۴: ۱۶۴-۱۶۸)؛ که با مطابقت روایات مقاتل الطالبیین با اخبار دیگر مورخان اعتبار، استناد و دقت در منقولات ابوالفرج دانسته می‌شود و همین امر باعث توجه علمای فریقین به مقاتل الطالبیین و نقل از آن شده است.

ابوالفرج اصفهانی نقل‌های خود را همچون محدثان غالباً به صورت سلسله اسناد در سراسر کتاب خود آورده است؛ از جمله نقل «و جعل الحسین یطلب الماء» (الاصفهانی، بی تا: ۱۱۷) را با اسناد «قال أبو مخنف: فحدّثنی سلیمان بن أبی راشد، عن حمید بن مسلم قال:...» (همان: ۱۱۶) متشکل از سه راوی، استوار ساخته است. در بررسی رجالی راویان این نقل، مشاهده می‌شود که نجاشی، ابومخنف لوط بن یحیی غامدی را «شیخ أصحاب الاخبار بالکوفة و وجههم» (نجاشی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۲۰) خوانده است. شیخ طوسی از سلیمان بن ابی راشد به عنوان «اصحاب الصادق علیه السلام» (طوسی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۲۰۸) و از حمید بن مسلم به عنوان «اصحاب علی بن الحسین علیه السلام» (همان: ۸۷) یاد کرده است. همچنین درباره حمید بن مسلم آمده است که او امامی بوده و در سپاه توابعین حضور داشته است (سید بن طاوس، ۱۴۲۲ق: ۱۶۷). با توجه به بررسی رجالی سند «و جعل الحسین یطلب الماء» (الاصفهانی، بی تا: ۱۱۷)

۱۳۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۲۱-۱۵۲

دانسته می‌شود که راویان این نقل، معتبر و عمدتاً به‌عنوان اصحاب امامان معصوم علیهم‌السلام مورد تأیید علمای رجال بوده‌اند.

د) عبدالرحمن بن علی بن الجوزی (م ۵۱۰ق) در الرد علی المتعصب العنید من ذم یزید، «اسقونی شربة من الماء» را با عبارت «و طلب الحسین ماء یشربه» (ابن جوزی، ۱۴۲۶ق: ۵۲) ذکر می‌کند. او از مورخان مشهور و میرز قرن ششم هجری است که به‌سبب آگاهی‌های گسترده در اخبار، احادیث و علوم دیگر، مورد توجه قرار گرفته و از جانب رجال یون با تعبیری چون «الأمام العلامة الحافظ عالم العراق و واعظ الآفاق جمال الدین...» (ذهبی، ۱۴۲۸ق، ج ۴: ۹۲)، «کان علامة عصره و امام وقته فی الحدیث» (ابن خلکان، بی تا، ج ۳: ۱۴۰) توصیف شده است. اگرچه به دلایل متعددی حنفی مذهب بودن ابن جوزی مبرهن است، با توجه به موضع مثبت او در مورد اهل بیت علیهم‌السلام، بیان فضیلت، ستایش و نقل روایات ایشان، برخی او را شیعه دانسته‌اند (خوانساری، ۱۳۹۰ق، ج ۵: ۳۸). ابن جوزی کتاب الرد علی المتعصب العنید من ذم یزید را در رد کتاب فضائل یزید اثر شیخ عبدالمغیث، با نزاهت و امانت‌داری نگاشته و در نقل‌های خود از بین اخبار غث و سمین کتب سیره و تاریخ به روایات مشهور اعتماد کرده (ابن جوزی، ۱۴۲۶ق: ۶) و با استعمال اسلوب نقد رجال که در کتب تاریخی کمتر دیده می‌شود، اثر خود را نضج داده است.

ابن جوزی در ابتدای نقل واقعه عاشورا، سلسله راویان خود را به شرح زیر بیان می‌کند: «أخبرنا ابن ناصر قال: أنبا أبو محمد بن سراج قال: أنبا أبو طاهر محمد بن علی العلاف قال: أنبا أبو الحسین ابن أخی میمی قال: ثنا أبو علی بن صفوان قال: ثنا أبو بکر بن أبی الدنیا قال: ثنا محمد بن صالح القرشی قال: ثنا علی بن محمد القرشی عن یونس بن أبی اسحاق قال:...» (همان: ۴۸).

در بررسی رجالی راویان عبارت «و طلب الحسین ماء یشربه» (همان: ۵۲) می‌بینیم که آثار مرتبط با جرح و تعدیل، ابن ناصر را با تعبیری چون «الامام، المحدث، الحافظ، مفید العراق» (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰: ۲۶۵)، ابومحمد بن سراج را با تعبیری چون «البارع، المحدث، المسند» (همان، ج ۱۹: ۲۲۸)، ابوطاهر محمد بن علی العلاف را با عبارات «کان صدوقاً» (همان، ج ۱۷: ۶۰۸)، ابوالحسین بن أخی میمی را با «الصدوق» (همان، ج ۱۶:

نقد و بررسی روایت «اسقونی شربة من الماء» از منظر دانش‌های حدیثی، محمدرضا شاهرودی و محمد فراهانی ۱۳۱

(۵۶۴)، ابوعلی بن صفوان را به «الثقة» (همان، ج ۱۵: ۴۴۲)، ابوبکر بن ابی‌الدنیا را با تعبیر «صدوق» (ابن ابی‌حاتم، بی‌تا، ج ۵: ۱۶۳)، محمد بن صالح القرشی «از قیام‌کنندگان علیه متوکل که از زندگی او اطلاعات زیادی در دست نیست» (فروخ، ۲۰۰۶، ج ۲: ۲۹۴)، علی بن محمد القرشی را «ثقه» (ابن الجوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴: ۱۲۰) و یونس بن ابی اسحاق را با تعبیر «کان صدوقا» (ابن ابی‌حاتم، بی‌تا، ج ۴: ۲۴۴) توصیف کرده‌اند. چنان‌که بیان شد، روایان روایت «و طلب الحسین ماء یشربه» (ابن الجوزی، ۱۴۲۶ق: ۵۲)، «ثقه»، «صدوق» و مورد اعتماد علمای رجال و حدیث هستند.

ه) محب‌الدین طبری (م ۶۱۵ق) در ذخائر العقبی عبارت «اسقونی شربة من الماء» به صورت «اسقونا ماء» و «أَنَّ الحسین علیه السَّلام دعا بماء لیشرَب» (طبری، ۱۳۵۶ق: ۱۴۴) نقل کرده است. او شافعی‌مذهب بود و نَسَب‌خاندان او به امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌رسد. علمای رجال او را شیخ حرم، فقیه، زاهد، محدث (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۵۲: ۲۱۱)، حافظ حجاز (سبکی، ۱۴۱۳ق، ج ۸: ۱۸) و آثار او را در غایت حسن (ابن‌عماد، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۷۴۴) دانسته‌اند. ذخائر العقبی از این حیث که مؤلف آن شافعی و در ذکر مناقب اهل بیت علیهم السلام از منابع اهل سنت بهره برده، دارای اهمیت ویژه‌ای است. محب‌الدین در مقدمه این اثر به حذف اسناد برای رعایت اختصار اشاره می‌کند (طبری، ۱۳۵۶ق: ۵)؛ با این حال در پایان روایات به ذکر سند آن‌ها می‌پردازد. برخی از علمای شیعه از این کتاب روایاتی را نقل کرده‌اند؛ چنان‌که شیخ حر عاملی در مقدمه کتاب اثبات الهداة، ذخائر العقبی را به‌عنوان یکی از منابع خود ذکر نموده و در متن کتاب نیز از آن روایت کرده است (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۵۵).

محب‌الدین طبری در این خبر به ذکر سلسله روایان می‌پردازد و می‌نویسد: «عن عبدالله بن محمّد بن أبی‌الدنیا، عن العباس بن هشام بن محمّد الكوفی، عن أبیه، عن جدّه، قال: ...» (طبری، ۱۳۵۶ق: ۱۴۴). در بررسی رجالی این روایان، از عبدالله بن محمّد بن أبی‌الدنیا: «صدوق» (ابن ابی‌حاتم، بی‌تا، ج ۵: ۱۶۳)، العباس بن هشام بن محمّد الكوفی: «ثقة» (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰: ۲۷۰)، پدرش هشام بن محمد بن سائب کلبی: «کان یختص بمذهبننا» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۴) و «الفاضل» (تقی‌الدین حلی، ۱۳۹۲ق: ۲۰۱) جدش

۱۳۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۲۱-۱۵۲

محمد بن سائب کلبی «از اصحاب امام باقر (ع)» (طوسی، ۱۳۸۱ق: ۱۳۶) و «من اصحاب الصادق (ع)» (برقی، بی تا: ۲۰) یاد شده است.

و) سید بن طاووس (م ۶۶۴ق)؛ در اللهوف، دیگر ناقل مضمون عبارت «استقونی شربة من الماء» به صورت «فاستسقی فی تلك الحال ماء» (سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۲۴-۱۲۹) است. اگرچه سید بن طاووس این روایت را به صورت مرسل نقل کرده است، مرویات او مورد اعتماد محدثان هم عصر و بعد از او قرار گرفته و او را تمجید کرده اند؛ چنان که علامه حلی در وصف او می نویسد: «...و كان أعبد ما رأينا من أهل زمانه...» (حلی، ۱۴۳۰ق: ۲۳۰-۲۳۱) و علامه مجلسی در ابتدای مجلدات بحار الانوار، او را با صفاتی چون «السید النقی بالثقة الزاهد جمال العارفين» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۳) می ستاید و محدث قمی نیز درباره او عباراتی چون «الأجل الأورع الأزهد الأسعد، قدوة العارفين و مصباح المتهجدین، صاحب الكرامات الباهرة و المناقب الفاخرة...» (قمی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۵۴۲) به کار برده است. سید بن طاووس در نقل روایت از ثقات و روایات موثوق الصدور و گاهی توثیق یا تضعیف بعضی راویان اهتمام می ورزد. یکی از امتیازات او نقل از اصول حدیثی است که در اختیار داشته و در حال حاضر در اختیار ما نیست (خوشفر، ۱۳۹۱ق: ۱۱۰-۱۱۳). موضع علما در مواجهه، نقل از آثار و تأسی به اندیشه های حدیثی سید بن طاووس، بیانگر میزان وثاقت و اعتبار روایات منقول از جانب اوست و این امر محقق را به وثوق صدوری یا خبری و احياناً متواتر بودن گزارش های او رهنمون می سازد.

ز) ابن نما حلی (م ۶۸۰ق) در مثير الأخران و منیر سبیل الأشجان با عبارات: «...ثُمَّ قَصَدُوهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَرْبِ وَ جَعَلُوهُ شَلْوًا مِنْ كَثْرَةِ الطَّعْنِ وَ الضَّرْبِ وَ هُوَ يَسْتَقِي شَرْبَةً مِنْ مَاء...» (ابن نما، ۱۴۰۶ق: ۳۸) به مفهوم آب طلب کردن امام حسین (ع) اشاره کرده است. ابن نما از فقهای نامدار شیعه و بزرگان حدیث و تاریخ است که رجالیون و علما او را با تعبیری چون «من افاضل مشایخ علمائنا» (افندی، ۱۴۳۱ق، ج ۶: ۳۷)، «کان فاضلاً جلیلاً» (حر عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۶)، «کان من فضلاء الأجلة و کبراء الدین و الملة» (خوانساری، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ۱۷۹) و «استاد دانشور، فقیه جلیل القدر، از فضیلتی اجله و از بزرگان دین و ملت» (قمی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۵۰) می ستایند. ابن نما اثر گران سنگ و ارزشمند خود را به روش تاریخ روایی با

نقد و بررسی روایت «اسقونی شربة من الماء» از منظر دانش‌های حدیثی، محمدرضا شاهرودی و محمد فراهانی ۱۳۳

10.22052/HADITHI.2022.246715.1222

بیشترین نقل از ابومخنف نوشته است و تسلط او بر علم حدیث و روایات تاریخی، مثیر الاحزان را در زمره منابع مورد استناد کتاب‌هایی چون بحار الانوار، مصباح کفعمی، منتهی الآمال و مقاتل بعد از آن قرار داده است. اگرچه ابن‌نما اسناد روایات خود را به طور کامل ذکر نمی‌کند، با توجه به وثاقت او نزد علما و تطبیق نقل او با منابع معتبر می‌توان به وثوق خبری روایت «...ثُمَّ قَصَدُوهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَرْبِ وَ جَعَلُوهُ سِلْوًا مِنْ كَثْرَةِ الطَّعْنِ وَ الضَّرْبِ وَ هُوَ يَسْتَقِي شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ...» (ابن‌نما، ۱۴۰۶ق: ۳۸) دست یافت.

با توجه به نقد و بررسی‌های منبع‌شناختی پیشین درباره عبارت «اسقونی شربة من الماء»، منابع این سخن دارای ارزش تاریخی و روایان آن از دانشمندان متقدم، اعلام برخوردار از اصول و قواعد علمی‌اند و به همین سبب قابلیت استناد دارند و معتبر محسوب می‌شوند و بدون حجت و ادله نمی‌توان منقولات آنان را مردود دانست؛ لذا ادعای منتقدان مبنی بر مستند نبودن معنا و مضمون «اسقونی شربة من الماء» (مطهری، بی‌تا: ۱۸۷)، ادعایی غیرقابل پذیرش و این سخن که «این حدیث مجعول را سند و مدرکی نیست» (صحتی سردودی، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۴) نشانه عدم پژوهش کافی قائل آن، در منابع واقعه عاشورا بوده؛ زیرا بنا بر آنچه بیان شد، در منابع معتبر قرن سوم، چهارم و قرون بعد، مضمون این سخن مکرر آمده است.

۳-۲. نقد درونی (دلالی یا متن محور) «اسقونی شربة من الماء»

در این بخش از سخن، محتوای عبارت مورد بحث، با مهم‌ترین معیارهای مطرح در دانش نقد الحدیث سنجیده شد. کتاب، سنت و عقل، اصلی‌ترین مدارکی است که در صورت موافقت محتوای اثر، می‌توان به آن عنوان خبر صحیح را اطلاق کرد.

۳-۲-۱. عرضه به قرآن

در قرآن کریم برای «جواز آب طلبیدن» که لازمه صحت صدور «اسقونی شربة من الماء» است، به طور خاص آیه‌ای وجود ندارد؛ اما در داستان حضرت موسی و جناب خضر علیهما السلام به «غذا خواستن» توسط آن بزرگواران از مردم اهل قریه‌ای که جناب خضر دیواری را در نزدیکی دروازه آن شهر تعمیر کرد، تصریح کرده است.^۵ در تفسیر عبارات «...اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا...» (کهف: ۷۷) آمده است: «...اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا أَيْ: سَأَلَاهُمْ...» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۷۵۱؛

ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۱۰۱)؛ «...أنهما استطعماهم فلم يطعموهما...» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۶: ۱۸۵) و «...اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا أَى طَلَبَا مِنْهُمْ طَعَامًا...» (ابن جزى غرناطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۴۷۱)؛ در نتیجه مراد از «استطعام» در این آیه، طلب طعام است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۳۴۶) که به واسطه آن، جواز استطعام از غیر و به طریق اولی «جواز آب طلیدن» استفاده می شود. علاوه بر این دلیل قرآنی، جواز استعانت از غیر که مسئله مورد بحث ما، مصداقی از آن مفهوم و جزئی از آن کلی است، مستفاد از مجموعه ای از آیات دیگر نیز هست: نظیر «...أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ»^۶ (هود: ۷۸) که مفید «یاری خواستن» حضرت لوط از قوم خود در مواجهه آنان با مأموران الهی است و «قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا» (کهف: ۹۵) که بر «استنصار» ذوالقرنین هنگام ساختن سد مقابل طایفه یاجوج و ماجوج، از قومی که دارای لغت و زبان عجیب غریبی بودند (کهف: ۹۳-۹۵) دلالت می کند. نیز شایان ذکر است که برخی مفسران ذیل آیه ۲۸ سوره آل عمران،^۷ در شرایطی از جمله مصلحت مسلمانان، تقیه و... «استعانت از غیر» را جایز شمرده (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۲۰۳) چنان که برخی فقها درباره «جواز استعانت» از کفار در مقابل کافران محارب، ادعای اجماع کرده اند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۴۰).^۸ آنچه گفته شد، صرف نظر از آیه «وَلَا تَلْفُؤُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» است که بی شک از لسان حاکمیت آن بر مسئله حاضر نمی توان صرف نظر کرد.

۳-۲-۲. عرضه به سنت

در مطالعه سنت نبوی و سیره پیامبر ﷺ در می یابیم که روایت «اسقونی شربة من الماء» دارای شاهدی قولی در موضوع «طلب آب» و شواهدی با عنوان عام استعانت است؛ چه اینکه پیامبر خاتم ﷺ نظیر این عمل را در یکی از غزوات انجام داده اند. امیرالمؤمنین ﷺ می فرمایند: «غَزَا رَسُولُ اللَّهِ ص غَزَاةً فَعَطِشَ النَّاسُ عَطْشًا شَدِيدًا فَقَالَ النَّبِيُّ ص: هَلْ مِنْ مُغِيثٍ بِالْمَاءِ فَضْرَبَ النَّاسُ يَمِينًا وَ شِمَالًا فَجَاءَ رَجُلٌ عَلَى فَرَسٍ أَشَقَرَ بَيْنَ يَدَيْهِ قَرْبَةً مِنْ مَاءٍ...»^۹ (راوندی، ۱۴۱۸ق: ۱۰۳). این روایت نشان می دهد که در یکی از جنگ ها، تشنگی شدیدی بر رسول اکرم ﷺ و یارانشان عارض می شود و آن حضرت برای رفع تشنگی خود و یاران «استغاثه» می کنند. از

نقد و بررسی روایت «اسقونی شربة من الماء» از منظر دانش‌های حدیثی، محمدرضا شاهرودی و محمد فراهانی ۱۳۵

10.22052/HADITHI.2022.246715.1222

عبارت «...فَجَاءَ رَجُلٌ عَلَى فَرَسٍ أَشَقَرَ بَيْنَ يَدَيْهِ قِرْبَةٌ مِنْ مَاءٍ...» در متن روایت چنین استنباط می‌شود که این شخص از یاران پیامبر ﷺ نبوده است. علاوه بر این روایت، با توجه به مطلب پیش‌گفته مبنی بر وجود معنای «استعانت» در فحوای عبارت «اسقونی شربة من الماء»، مصادیق زیادی از آن در سیره و سنت رسول اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ وجود دارد. منابع تاریخی گزارش می‌کنند که آن حضرت برای دعوت به اسلام، در بیعت عقبه و بیعت شجره (یا رضوان)،^۱ جنگ احد،^۲ فتح مکه^۳ و جنگ حنین^۴ از غیرمسلمانان یاری خواستند (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۲۰۳). نیز امیرالمؤمنین (ع) پس از رحلت رسول اکرم ﷺ و جمع‌آوری قرآن، درحالی که مردم، اطراف ابوبکر را گرفته بودند، خطاب به آن‌ها فرمودند: این قرآن را آورده‌ام تا روز قیامت مگویند که من شما را برای یاری‌ام فرانخواندم: «...لَيْلًا تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنِّي لَمْ أَدْعُكُمْ إِلَّا إِلَىٰ نُصْرَتِي...» (سلیم بن قیس الهلالی، ۱۴۰۵ق: ۵۸۲). با عنایت به این روایات که نوعی تظافر معنوی از آن استشمام می‌شود، مفهوم ملازمی عبارت «اسقونی شربة من الماء» که نوعی «استعانت» است، تأیید می‌شود؛ زیرا چنین عملی از جانب رسول اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ، صادر شده و شاهی بر جواز عقلی و شرعی «آب طلبیدن» از ناحیه امام حسین (ع) به هر دلیلی از جمله برای هدایت امت و اتمام حجت بر ایشان است.

۳-۲-۳. عرضه به عقل

پیش‌تر با واکاوی آنچه در مباحث منبع‌شناسی و عرضه متن روایت «اسقونی شربة من الماء» به کتاب و سنت بیان شد، به دست آمد که این روایت، هیچ‌گونه تعارضی با معیارهای مذکور ندارد. اکنون به داوری عقل درباره امکان صدور چنین مضمونی از امام معصوم (ع) می‌پردازیم؛ چه اینکه منتقدانی، مدعی تعارض عقلی این سخن با شأن امام (مطهری، بی‌تا: ۱۸۷؛ صحتی سردرودی، ۱۳۸۵: ۴۲۹) شده‌اند. در پاسخ به این شبهه باید گفت که اگر مراد از عقل، عقل مستقل که مدرک حسن عدل و قبح ظلم است باشد، این کار از جنس ظلم نیست که قبیح باشد و به عبارتی «آب طلب کردن» مصداق عمل عادلانه و نیک و خداپسندانه است؛ پس حسن عدل مصداقاً شامل این کار می‌شود. نظیر این توجیه را برای حکم عقل غیرمستقل با چنین تقریری می‌توان دریافت کرد: «آب طلب کردن» امام معصوم (ع) از مردم با

«حفظ نفس محترمه»، و «نجات آن از هلاک» که شرعاً عملی واجب است، ملازمه تام دارد؛ عقلاً باید بدین کار مبادرت ورزند و امام به عنوان رئیس عقلاً آن را انجام می دهد.

از منظری دیگر، بنا بر حکم عقل و بر مبنای حجیت فعل امام در مذهب تشیع، موظفیم که عمل امام علیه السلام را مادام که با منابع دینی همچون قرآن، سنت قطعیه و عقل، ستیزه ندارد و با آن موافق است، بپذیریم و در آن مناقشه نکنیم. این مضمون با روایات نیز تأیید می شود؛ امام کاظم علیه السلام فرموده اند: «لَا تُقَلِّ لِمَا بَلَغَكَ عَنَّا أَوْ تُسَبِّ إِلَيْنَا هَذَا بَاطِلٌ وَإِنْ كُنْتَ تَعْرِفُ خِلَافَهُ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي لِمَ قُلْنَا وَعَلَىٰ أَىٰ وَجْهِ وَصَفْنَا»^{۱۴} (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۰۹). نتیجه اینکه نباید درباره آنچه از اهل بیت علیهم السلام به ما می رسد، شتاب زده عمل کنیم و آن را باطل بدانیم. اکنون برای تکمیل نقد این گزارش به سنجه آن با دیگر معیار مورد قبول فریقین، یعنی سیره عقلاً پرداخته می شود. کوتاه سخن در این باب این است که تقاضای آب در عرف آن زمان، عملی ناپسند تلقی نمی شده است و مردم در صورت نیاز، به سهولت از یکدیگر درخواست آب می کرده اند. علاوه بر این، شواهدی بر وقوع سیره درخواست آب در شرایط جنگی از طرف متخاصم در اختیار داریم و چه بسا بر همین مناسبت که امام حسین علیه السلام به یزید بن حصین همدانی، برای صحبت با عمر سعد درباره آب، اجازه دادند^{۱۵} (خوارزمی، ۱۳۷۰ق، ج ۱: ۳۵۱؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۴۷)، بریر، فرستاده امام برای مذاکره با عمر سعد به تشنگی آن حضرت اشاره کرد (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۹۶) و مسلم بن عقیل بعد از اسارت در کوفه آب طلب کرد^{۱۶} (ابومخنف، ۱۴۱۷ق: ۱۳۷).

علاوه بر آنچه بیان شد، می توان برای اثبات امکان آب طلب کردن توسط امام حسین علیه السلام از تحریک عواطف که در نهضت امام حسین علیه السلام نقش بسیار مهمی را ایفا می کند، یاد کرد. مرحوم شهید حکیم در کتاب قیام حسین بن علی علیه السلام تحلیل های مختلف پژوهشگران عاشورایی را به نقد می کشاند و سرانجام فلسفه قیام را «برانگیختن وجدان» و «بیدار کردن عواطف خفته» معرفی می کند. رفتاری از این دست ممکن است به ادامه حیات امام منجر نشود، اما در بیدارگری عواطف، چه در مردم آن دوران و چه در مردم دیگر دوره ها - آن سان که مشاهده می شود - کاملاً تأثیرگذار است (حکیم، ۱۳۸۲: ۳۶). نمونه هایی از این قبیل در جریان عاشورا مشاهده می شود که بهترین تحلیل برای آن تحریک عواطف و ایجاد زمینه برای

تغییر رفتار افراد است؛ چه آنکه می‌بینیم آن حضرت با وجود علم به عدم پیروزی ظاهری و اطلاع از تمام وقایع، با طلب آب برای فرزند شیرخواره (خوارزمی، ۱۳۷۰ق، ج ۲: ۳۷)، گریستن بر بالین شهدا (سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۲۳؛ خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۱۷۳۱)، صورت نهادن بر چهره غلام سیاه‌چرده (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵، ۲۳)، پاشیدن خون خود (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۰۹) و طفل رضیع به آسمان (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۳۷)، مکالمه جانسوز با دخترانشان (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴: ۱۰۹)، پوشیدن لباس کهنه زیر لباس قتال (سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۲۳؛ نجفی یزدی، ۱۳۸۸: ۴۰-۴۳) و... از این عنصر برای پیروزی واقعی در نهضت خود بهره بردند.

۵. نتیجه‌گیری

۱. از منظر علوم حدیث، سخنان مشهور و منسوب به اولیای دین از جمله امام حسین علیه السلام که تمام عبارات آن در مسانید متقدم مشاهده نمی‌شود، از گونه احادیث ساختگی نیست؛ چه اینکه مفهوم برخی از این گونه اقوال، در روایات مستند دیگری با اندکی تفاوت در منابع معتبر وجود دارد که کاملاً لفظ و معنای آن‌ها را تأیید می‌کند. در منابع عاشورایی، شواهدی در دست است که عبارت «اسقونی شربة من الماء» از امام حسین علیه السلام صادر شده است.

۲. منابع عبارت «اسقونی شربة من الماء»، دارای هویت تاریخی‌اند و راویان آن نیز از عالمان سرشناس فریقین هستند؛ از این رو قابلیت استناد دارند. بنابراین بدون حجت و ادله نمی‌توان مقولات آنان را مردود دانست. پس اساساً ادعای منتقدان مبنی بر مستند نبودن معنا و مضمون «اسقونی شربة من الماء»، ادعایی خلاف تحقیق است.

۳. روایت مورد بحث، از میان متقدمان توسط ابن سعد (م ۲۳۰ق) به صورت «عطش الحسین فاستسقی»، دینوری (م ۲۸۲ق) با عبارات «و عطش الحسین فدعا بقدرح من ماء»، ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق) به شکل «و جعل الحسین یطلب الماء»، ابن الجوزی (م ۵۱۰ق) با تعبیر «و طلب الحسین ماء یشربه» نقل شده است.

۴. این روایت در میان متأخران شهرت بیشتری یافته است. محب‌الدین طبری (م ۶۱۵ق) به صورت «اسقونا ماء» (طبری، ۱۳۵۶: ۱۴۴)، سید بن طاووس (م ۶۶۴ق) به شکل

«فاستسقی فی تلك الحال ماء» و ابن نما حلی (م ۶۸۰ق) با تعبیر «...ثُمَّ قَصَدُوهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَرْبِ وَ جَعَلُوهُ سِلْوًا مِنْ كَثْرَةِ الطَّعْنِ وَ الضَّرْبِ وَ هُوَ يَسْتَقِي شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ...» (ابن نما، ۴۰۶ق: ۳۸) صرف نظر از دهها عالم پس از قرن هفتم روایت شده است.

۵. با لحاظ آثار نخستین گزارشگران عاشورا، مثل ابن سعد، دینوری و ابوالفرج اصفهانی دانسته می شود که این روایت، از ابتدای مقتل نگاری، دچار نقل به معنا شده و در سده اخیر در آثار متأخر راویان مقتل یا تنظیم کنندگان آثار آن ها، به صورت جمله «اسقونی شربة من الماء»، شهرت دوچندانی پیدا کرده است.

۶. با عرضه جمله «اسقونی شربة من الماء» به قرآن کریم، برای آب طلبیدن که نوعی «استعانت» است، نظایری همچون یاری خواستن حضرت لوط از قوم خود در مواجهه آنان با مأموران الهی یافت می شود. همچنین برای این روایت در سنت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نمونه ای در یکی از غزوات وجود دارد که طبق آن رسول خاتم صلی الله علیه و آله دقیقاً با عبارت «هل من مغيث بالماء»، درخواست آب کرده اند.

۷. بر مبنای نگرش شیعی به امامت، ویژگی ممتاز امام، عبودیت و اطاعت خاص ایشان از خداست؛ بر این پایه معقول است که امام حسین علیه السلام آنچه را امر الهی بدان تعلق یافته، انجام دهد؛ چه بسا امکان دارد ایشان مأموریت یافته باشد با «آب طلب کردن»، با دشمنان خدا اتمام حجت، و اوج مظلومیت خود و قساوت و ناجوانمردی بنی امیه را بر همگان آشکار کند.

۸. علاوه بر قرآن و عموماً سنت قطعی، دلیل عقل و سیره عقلا نیز بر صحت صدور روایت «اسقونی شربة من الماء» دلالت می کند؛ زیرا به لحاظ عقلی، آب طلب کردن امام با بقای ایشان و استمرار لطف الهی بر بندگان ملازمت دارد؛ چه بسا سیره عقلا در همه روزگاران بر قبیح نبودن «آب طلبیدن» دلالت می کند.

پی نوشتها

۱. اطلاق عنوان روایت بر این گونه سخنان، با وجود ثبت نشدن آن در منابع معتبر حدیثی (همچون جوامع حدیثی متقدم و متأخر فریقین) تلقی روایت شدن از آن توسط برخی از دانشمندان دینی در دهه های اخیر است؛ چه بسا بتوان این تعبیر را با تعبیر روایت موضوع تنظیم کرد.

۲. در این مقاله از ناقلان این روایت با تعبیر خاص «اسقونی شربة من الماء» تلقی موافقان شده است؛ زیرا سیاق نقل و دیگر امارات حکایتی جز موافقت این ناقلان ندارد و به‌وضوح می‌شود از آن چنین برداشتی را کرد؛ زیرا ایشان در صورت مخالفت از یادکرد این سخن استکفاف می‌کرده‌اند.

۳. درباره‌ی مذهب ابو مخنف می‌توان گفت شیعه بوده، به‌نحوی که بین اهل کوفه رواج داشته است؛ بدین ترتیب که در خصوص خلیفه اول و دوم ساکت، از خلیفه سوم منتقد بوده و معاویه مورد قبول آن‌ها نبود (جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۷).

۴. نحوه عملکرد محمد بن سعد در بخش مقتل کتاب طبقات، به‌شیوه محدثانی که برای هر روایت یک سند مستقل ذکر می‌کنند، نیست. او گزارش‌هایی را که در این کتاب درباره‌ی شهادت امام حسین علیه السلام آورده، به چند سند متکی می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که مطالب این بخش ناگزیر به یکی از آن اسناد ارجاع می‌گردد.

۵. «فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا آتَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلُهَا فَأَبَوْا أَنْ يُصَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا» (کهف: ۷۷).

۶. علامه طباطبائی ذیل این آیه «أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ» را به استغائه و طلب یاری حضرت لوط از قوم خود، برای نجات آنها از عذاب الهی تفسیر می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۳۴۰).

۷. «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران: ۲۸).

۸. بنا بر آنچه گفته شد، به‌وضوح موافقت این سخن با قرآن کریم احراز می‌شود؛ چه آنکه بر پایه‌ی برخی از تعبیرها مراد از موافقت با کتاب عدم مخالفت روایت با قرآن یا موافقت با عموماتی است که با خبر هم‌راستا هستند.

۹. امام علی علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حال جنگ بود که تشنگی شدیدی برای آن حضرت و یاران پیش آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا کسی هست که با آب ما را یاری دهد؟ افراد برای به دست آوردن آب به چپ و راست به جست‌وجو پرداختند. در همان حال مردی که سوار یک اسب قهوه‌ای بود آمد، که دو مشک آب جلو خود نهاده بود...»

۱۰. ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۳۰۳.

۱۱. از یهود بنی قینقاع (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۲۰۳).

۱۲. از قبیله خزاعه (همان).

۱۴۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۲۱-۱۵۲

۱۳. از صفوان بن امیه (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۴۰).

۱۴. در مورد آنچه از ما به تو می رسد یا به ما نسبت داده می شود، نگو که باطل است؛ هر چند تو نظرت بر خلاف آن باشد، زیرا نمی دانی که ما چرا آن را گفته ایم و چگونه توصیف کرده ایم.

۱۵. «کتب عبید الله کتابا إلى عمر بن سعد یحثه علی مناجزة الحسین ع فعندها ضیق الأمر علیهم فاشتد علیهم الأمر و العطش فقال إنسان من أصحاب الحسین ع یقال له یزید بن حصین الهمدانی و کان زاهدا انذن لی یا ابن رسول الله لآتی هذا ابن سعد فأکلمه فی أمر الماء فعساه یرتدع فقال له: ذلك إلیک؛ فجاء الهمدانی إلى عمر بن سعد فدخل علیه...» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۴۷).

۱۶. ابومخنف در ذکر جریان شهادت مسلم بن عقیل می نویسد: «أَقْبَلَ مُحَمَّدُ بْنُ الْأَشْعَثِ بِابْنِ عَقِيلٍ إِلَى بَابِ الْقَصْرِ، وَ هُوَ عَطْشَانٌ، وَ عَلَى بَابِ الْقَصْرِ نَاسٌ جُلُوسٌ يَنْتَظِرُونَ الْإِذْنَ... فَقَالَ ابْنُ عَقِيلٍ: اسْقُونِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ» (ابومخنف، ۱۴۱۷ق: ۱۳۷).

۱۷. «ثم خرج... القاسم بن الحسن و هو غلام صغير لم يبلغ الحلم، فلما نظر إليه الحسين اعتنقه، و جعلا يبكيان حتى غشى عليهما» (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۳۱).

منابع

آلاندوزی، محمد. (۱۳۸۱ش). کتاب شناسی توصیفی-انتقادی پیرامون تحریف های عاشورا. فصلنامه آئینه پژوهش، ۱۳(۷۷ و ۷۸)، ۱۵۹-۱۸۵.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (بی تا). النجرح و التعديل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد. (۱۴۱۱ق). کتاب الفتوح. تحقیق علی شیری. بیروت: دارالأضواء.
ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). کتاب التسهيل لعلوم التنزيل. بیروت: دارالارقم بن ابی الارقم.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۶ق). الرد علی المتعصب العنید المانع من ذم یزید. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالکتب العربی.
ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۱۲-۱۴۱۳ق). المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۲۵ق). تهذیب التهذیب. بیروت: دار صادر.

نقد و بررسی روایت «اسقونی شربة من الماء» از منظر دانش‌های حدیثی، محمدرضا شاهرودی و محمد فراهانی ۱۴۱

10.22052/HADITHI.2022.246715.1222

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۰۶ق). لسان المیزان. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
ابن خلکان، احمد بن محمد. (بی‌تا). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان. بیروت: دارالفکر.
ابن سعد، محمد. (۱۴۱۰ق). الطبقات الكبرى. بیروت: دارالکتب العلمیة.
ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (بی‌تا). المناقب آل ابيطالب. قم: انتشارات علامه.
ابن عماد، عبدالحی بن احمد. (۱۴۰۶ق). شذرات الذهب فی أخبار من ذهب. بیروت: دار ابن کثیر.
ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (بی‌تا). الفهرست. بیروت: دارالمعرفة.
ابن نما، جعفر بن محمد. (۱۴۰۶ق). مثير الأحران. قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
ابومخنف، لوط بن یحیی. (۱۴۱۷ق). وقعة الطف. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقسم
مؤسسة النشر الإسلامی.

اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی‌الفتح. (۱۳۸۱ق). كشف الغمة فی معرفة الانمة. تبریز:
کتاب فروشی بنی‌هاشمی.

الاصفهانى، ابوالفرج. (بی‌تا). مقاتل الطالبیین. بیروت: دارالمعرفة.
افندی، عبدالله بن عیسی بیگ. (۱۴۳۱ق). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. بیروت: مؤسسة التاریخ
العربی.

بابایی، رضا. (۱۳۸۶ش). آسیب‌شناسی مجالس عزاداری. فصلنامه پیام، ۲(۸۶)، ۳۸-۱۹.
برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی. (بی‌تا). رجال البرقی. تهران: منشورات جامعة طهران.
تقی‌الدین حلی، حسن بن علی. (۱۳۹۲ق). کتاب الرجال. قم: انتشارات الشریف الرضی.
ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت:
دار إحياء التراث العربی.

جعفریان، رسول. (۱۳۸۱ش). تأملی در نهضت عاشورا. قم: انتشارات انصاریان.
جزایری، سید نعمت‌الله بن عبدالله. (۱۴۲۹ق). الانوار النعمانیة. بیروت: دارالقاری.
حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۶۲ش). أمل الآمل فی علماء جبل عامل. قم: دارالکتب الاسلامی.
حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات. بیروت: مؤسسة
الاعلمی للمطبوعات.

حکیم، سید محمد باقر. (۱۳۸۲ش). قیام حسین بن علی عليه السلام. تهران: انتشارات تیان.
حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۳۰ق). منهاج الصلاح فی إختصار المصباح. قم: مكتبة العلامة المجلسی.
حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). معجم الادباء. بیروت: دارالفکر.

۱۴۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۲۱-۱۵۲

خرگوشی، عبدالملک بن محمد. (۱۴۲۴ق). مناحل الشفا و مناهل الصف. مکه مکرمه: دارالبشائر الإسلامية.

خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد او مدینه السلام. بیروت: دارالکتب العلمیه.
خوارزمی، موفق بن احمد. (۱۳۷۰ق). مقتل الحسین علیه السلام. قم: انتشارات انوار الهدی.
خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین. (۱۳۹۰ق). روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات. قم: انتشارات دهقانی (اسماعیلیان).
خوشفر، محسن. (۱۳۹۱ق). اندیشه‌های حدیثی سید بن طاوس. دوفصلنامه حدیث و اندیشه، ۱۰(۱۳)، ۹۷-۱۱۸.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. قم: بی‌نا.
الدینوری، احمد بن داود. (۱۳۶۸ش). الاخبار الطوال. قم: منشورات الرضی.
ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۹ق). تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام. بیروت: دارالکتب العربی.

ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴ق). سیر اعلام النبلاء. بیروت: مؤسسة الرسالة.
ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). میزان الاعتدال فی نقد الرجال. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۲۸ق). تذکرة الحفاظ. بیروت: دارالکتب العلمیه.
راوندی کاشانی، فضل الله بن علی. (۱۴۱۸ق). النوادر. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
رفعت، محسن، و رحمان ستایش، محمدکاظم. (۱۳۹۴ش). روایات عاشورایی مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی در میزان نقد و بررسی. فصلنامه علوم حدیث، ۲۰(۲)، ۱۶۰-۱۸۹.
رنجبر، محسن. (۱۳۸۶ش). سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر. فصلنامه تاریخ در آئینه پژوهش، ۶(۱۶)، ۸۳-۱۲۲.

زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج. بیروت: دارالفکر المعاصر.

الزنجانی، سید ابراهیم الموسوی الزنجانی. (۱۳۹۵ق). وسیلة الدارین فی أنصار الحسین. بیروت: مؤسسة الأعلمی.

سبکی، عبد الوهاب بن علی. (۱۴۱۳ق). طبقات الشافعیة الكبرى. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
سلیم بن قیس الهلالی. (۱۴۰۵ق). کتاب سلیم بن قیس الهلالی. قم: انتشارات هادی.
سلیمانی، داود. (۱۳۸۵ش). معیارهای نقد در حدیث. دوفصلنامه تخصصی اسلام پژوهی، ۲(۳)،

نقد و بررسی روایت «اسقونی شربة من الماء» از منظر دانش‌های حدیثی، محمدرضا شاهرودی و محمد فراهانی ۱۴۳

۷۴-۶۳

سید بن طاوس، سید علی بن طاووس حسینی حلی. (۱۳۴۸ش). اللهوف علی قتلی الطفوف. تهران: انتشارات جهان.

سید بن طاوس، سید علی بن طاووس حسینی حلی. (۱۴۲۲ق). ترجمة لهوف. قم: انتشارات دلیل ما. شوشتری، شیخ جعفر. (۱۴۱۴ق). الخصائص الحسينیه. بیروت: دارالسرور.

صحتی سردرودی، محمد. (۱۳۸۱ش). بازخوانی چند حدیث مشهور درباره عاشورا. فصلنامه علوم حدیث، ۷(۴)، ۱۲۰-۱۳۹.

صحتی سردرودی، محمد. (۱۳۸۳ش). تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام با رویکردی کتاب‌شناسانه. فصلنامه کتاب‌های اسلامی، ۵(۱۸)، ۳۵-۷۹.

صحتی سردرودی، محمد. (۱۳۸۵ش). عاشوراپژوهی با رویکردی به تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام. ج ۲. قم: انتشارات خادم الرضا علیه السلام.

طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو.

طبری، محب‌الدین احمد بن عبدالله. (۱۳۵۶ق). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی. قاهره: مکتبه القدسی.

طریحی، فخرالدین محمد. (۱۴۲۴ق). المنتخب للطریحی فی جمع المراثی و الخطب المشتهر ب: الفخری. بیروت - لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۱ق). رجال الطوسی. قم: انتشارات الشریف الرضی.

فروخ، عمر. (۲۰۰۶م). تاریخ الادب العربی. بیروت: دارالعلم للملایین.

قفطی، علی بن یوسف. (۱۴۲۴ق). أنباه الرواة علی انباه النحاة. بیروت: المکتبه العصریه.

قمی، الشیخ عباس. (۱۴۲۱ق). نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم و یلیه نفته المصدور فیما یتجدد به حزن العاشور. قم: المکتبه الحیدریة.

قمی، عباس بن محمدرضا. (۱۳۸۵ش). الفوائد الرضویة. قم: بوستان کتاب.

مجلسی، محمداقبر بن محمدتقی. (۱۴۰۴ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام. بیروت: مؤسسة الوفاء.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجواهر. قم: مؤسسة دارالهجره.

۱۴۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۲۱-۱۵۲

مطهری، مرتضی. (بی تا). حماسه حسینی. تهران: انتشارات صدرا.
مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). الارشاد. قم: کنگره شیخ مفید.
موسوی، سید محمد. (۱۳۸۲ش). نقل های مجعول و مشهور. ماهنامه مبلغان، (۵) ۱۳۰-۱۳۶.
موگهی، عبدالرحیم. (۱۳۸۴). آسیب شناسی مطالعات دینی و تحقیقات علمی. فصلنامه مریان،
۶ (۱۶)، ۱۶۳-۱۷۴.
نجاشی، ابی العباس احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه
لجماعة المدرسين.
نجفی یزدی، سید محمد. (۱۳۸۸ش). تأمل در کتاب عاشورا پژوهی اثر محمد صحتی سردرودی.
پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، (۸) ۲۸، ۲۳-۴۶.

References

- Abu Mikhnaf, L. (1996). *Waḡ at al-Taff*. Qum: Jama'at al-Mudarrisin fi al-Hawzah al-'Ilmiyyah bi Qum, Mu'assasat al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
- Afandi, A. (2009). *Riyad al-Ulamā wa Hayad al-Fudalā*. Beirut: Mu'assasat al-Tarikh al-'Arabi. [In Arabic]
- Alandozi, M. (2002 AD). Descriptive-Critical Bibliography about Ashūrā Distortions. *Ayeneh Pajouhesh Quarterly*, 13(77 and 78), 159-185. [In Persian]
- Al-Isfahani, A. (nd). *Maqatil al-Talibiyyin*. Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Al-Zanjani, S. (1975). *Wasilat al-Darayn fi Ansar al-Husayn*. Beirut: Mu'assasat al-'A'lami. [In Arabic]
- Babaii, R. (2007 AD). Asib Shnasi Majalis Azadari. *Payam Quarterly*, 2(86), 19-38. [In Persian]
- Barqī, A. (nd). *Rijal al-Barqī*. Tehran: Manshurat Jami'at Tehran. [In Persian]
- Dhahabi, M. (1988). *Tarikh al-Islam wa Wafayat al-Mashahir wa al-'A lam*. Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi. [In Arabic]
- Dhahabi, M. (1993). *Siyar A lam al-Nubalā*. Beirut: Mu'assasat al-Risalah. [In Arabic]

- Dhahabi, M. (1995). *Mizan al-Itidal fi Naqd al-Rijal*. Beirut: Dar al-Kitab al-'Ilmiyah. [In Arabic]
- Dhahabi, M. (1995). *Tarikh al-Hslam wa Wafayat al-Mashahi wa al-'A lam*. Burut: Dar al-Kutub al-'Aradi.
- Dhahabi, M. (2007). *Tadhkirat al-Huffaz*. Beirut: Dar al-Kitab al-'Ilmiyah. [In Arabic]
- Dinawari, A. (1989). *Al-Akhbar al-Tawal*. Qum: Manshurat al-Razi. [In Persian]
- Farroukh, O. (2006). *History of Arabic literature*. Beirut: Dar al-Alam Lamlayin. [In Arabic]
- Hakim, M. (2003 AD). *Qiyam Husayn ibn Ali` alayhi al-salam*. Tehran: Intisharat Tabiyan. [In Persian]
- Helli, H. (2008). *Minhaj al-Salah fi Ikhtisar al-Misbah*. Qum: Maktabat al-'Allamah al-Majlisi. [In Arabic]
- Himawi, Y. (1979). *Mu`jam al-Adibba`*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Hur Amili, M. (1983 AD). *Amal al-Amil fi` Ulama` Jabal Amil*. Qum: Dar al-Kutub al-Islami. [In Persian]
- Hur Amili, M. (2004). *Ithbat al-Hudat bi al-Nusus wa al-Mu`jizat*. Beirut: Mu`assasat al-'Ilmi li al-Matbu`at. [In Arabic]
- Ibn Abi Hatim, A. (nd). *Al-Jarh wa al-Ta`dil*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Atham Kufi, A. (1990). *Kitab al-Futuh*. Research by Ali Shiri. Beirut: Dar al-Adwa. [In Arabic]
- Ibn Hajar Asqalani, A. (1907). *Tahdhib al-Tahdhib*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Ibn Hajar Asqalani, A. (1985). *Lisan al-Mizan*. Beirut: Al-'Ilmiyah for Publications. [In Arabic]
- Ibn 'Imad, A. (1985). *Shadharat al-Dhahab fi Akhbar Man Dhahab*. Beirut: Dar Ibn Kathir. [In Arabic]
- Ibn Jazi GHarnati, M. (1995). *Kitab al-Tasheel li Ulum al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Arqam ibn Abi al-Arqam. [In Arabic]

- 10.22052/HADITH.2022.246715.1222
- Ibn Juzi, A. (1991-1992). *Al-Muntazam fi Tarikh al-Umam wa al-Muluk*. Beirut: Dar al-Kitab al-'Ilmiyah. [In Arabic]
- Ibn Juzi, A. (2001). *Zad al-Masir fi 'Ilm al-Tafsir*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Juzi, A. (2005). *Al-Radd' ala al-Muta' asib al-' Anid al-Mani' min Dham Yazid*. Beirut: Dar al-Kitab al-'Ilmiyah. [In Arabic]
- Ibn Khallikan, A. (nd). *Wafayat al-A'yan wa Anba' Abna' al-Zaman*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Nadim, M. (nd). *Al-Fihrist*. Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Ibn Nama, J. (1985). *Mathir al-Ahzan*. Qum: Madrasat al-Imam al-Mahdi 'alayhi al-salam. [In Arabic]
- Ibn Sa'd, M. (1989). *Al-Tabaqat al-Kubra*. Beirut: Dar al-Kitab al-'Ilmiyah. [In Arabic]
- Ibn Shahr Ashub, M. (nd). *Al-Manaqib' Al Abi Talib*. Qum: Allameh Publications. [In Persian]
- Irbeli, A. (1961). *Kashf al-Ghummah fi Ma'rifat al-A'imma*. Tabriz: Kitabforushi Bani Hashemi. [In Arabic]
- Jafariyan, R. (2002 AD). *Tamuli dar Nahzat Ashūrā*. Qum: Intisharat Ansarian. [In Persian]
- Jazairi, S. (2008). *Al-Anwar al-Nu'maniyah*. Beirut: Dar al-Qari. [In Arabic]
- Khansari, M. (1970). *Rawdat al-Jannat fi Ahwal al-'Ulama' wa al-Sadat*. Qum: Dehaghani (Isma'iliyan) Publications. [In Arabic]
- Kharazmi, M. (1950). *Maqatal al-Husayn 'alayhi al-salam*. Qum: Anwar al-Huda Publications. [In Arabic]
- Khargushi, A. (2003). *Manahil al-Shifā' wa Manahil al-Safā'*. Makkah al-Mukarramah: Dar al-Basha'ir al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Khatib Baghdadi, A. (1996). *Tarikh Baghdad aw Madinat al-Salam*. Beirut: Dar al-Kitab al-'Ilmiyah. [In Arabic]
- Khoshfar, M. (2012 AH). Andishe-haye Hadithi Sayyid ibn Tawus. *Hadith and Thought Biannual*, 10(13), 97-118. [In Persian]

نقد و بررسی روایت «اسقونی شربة من الماء» از منظر دانش‌های حدیثی، محمد رضا شاهرودی و محمد فراهانی ۱۴۷

10.22052/HADITHI.2022.246715.1222

- Khui, A. (1992 AH). *Mu'jam Rijal al-Hadith wa Tafsil Tabaqat al-Ruwat*. Qum: Bayna. [In Arabic]
- Majlisi, M. (1983). *Bihar al-Anwar al-Jamaa Lederer Akhbar al-Imam al-Athar*. Beirut: Al-Wafa Foundation. [In Arabic]
- Masoudi, A. (1988). *Moruj al-Dhahab and Al-Jawahar mines*. Qom: Dar al-Hijra Foundation. [In Arabic]
- Mofid, M. (1992). *Al-Arshad*. Qom: Sheikh Mofid Congress. [In Arabic]
- Motahari, M. (nd). *Hosseini s epic*. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Mousavi, S. (2012). Fake and famous quotes. *Missionaries Monthly*, (5) 51, 130-136. [In Persian]
- Mugahi, A. (2005). Pathology of religious studies and scientific research. *Morbeyan Quarterly*, 6(16), 163-174. [In Persian]
- Mughniyeh, M. (2003). *Tafsir al-Kashif*. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [In Arabic]
- Najafi Yazdi, S. (2018). Reflections on the Ashura study book by Mohammad Sehti Sardroudi. *Research Journal of Islamic Wisdom and Philosophy*, (8) 28, 46-23. [In Persian]
- Najashi, A. (1945). *Rijal al-Najashi*. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation of Jamaat al-Madrasin. [In Arabic]
- Qafti, A. (2003). *Anbaah Al-Rawaat Ali Anbaah Al-Nahaa*. Beirut: Al-Maktaba al-Asriya. [In Arabic]
- Qomi, A. (2000). *Nafs al-Mahmoom in the calamity of Seyyedna al-Hussein al-Mazloun and the soul of Al-Masdur Fima is renewed by the sorrow of Ashura*. Qom: Al-Maktaba Al-Haydariyya. [In Arabic]
- Qomi, A. (2006). *Al-Fawaid al-Razaviyah*. Qom: Bostan Kitab. [In Arabic]
- Ranjbar, M. (2007). Siri dar Maqatal-nivisi va Tarikh-nigari Ashūrā az Aghaz ta Asr-e Hazer. *Tarikh dar Ayeneh-e Pajouhesh Quarterly*, 6(16), 83-122. [In Persian]
- Rawandi Kashani, F. (1997). *Al-Nawadir*. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Islami Kushanpur. [In Arabic]

- Ref'at, M, & Rahman Setayesh, M. (2015). Rawayat-e Ashūrā'i Maqatil al-Talibiyyin Abu al-Faraj Isfahani dar Mizan-e Naqd va Barrasi. *Hadith Sciences Quarterly*, 20(2), 160-189. [In Persian]
- Salim ibn Qays al-Hilali. (1984). *Kitab Salim ibn Qays al-Hilali*. Qum: Hadi Publications. [In Arabic]
- Sayyid ibn Tawus, S. (1969). *Al-Luhuf 'ala Qatla al-Tuffuf*. Tehran: Jahan Publications. [In Persian]
- Sayyid ibn Tawus, S. (2001). *Tarjome-ye Luhuf*. Qum: Dalil Ma Publications. [In Persian]
- Shushtari, Sh. (1993). *Al-Khasā'is al-Husayniyyah*. Beirut: Dar al-Surur. [In Arabic]
- Sihhati Sardrudi, M. (2002). Recitation of some famous hadiths about Ashura. *Journal of Hadith Sciences*, 7(4), 139-120. [In Persian]
- Sihhati Sardrudi, M. (2006). *Ashura study with an approach to the distortion of the history of Imam Hossein*. Ch2. Qom: Khadim al-Reza Publications. [In Persian]
- Sihhati Sardrudi, M. (2013). Distortion of the history of Imam Hossein with a bibliographic approach. *Islamic Books Quarterly*, 5(18), 79-35. [In Persian]
- Subki, A. (1992). *Tabaqat al-Shafi'iyah al-Kubra*. Cairo: Dar Ihya' al-Kutub al-'Arabiyyah. [In Arabic]
- Sulaimani, D. (2006). Mi'yarha-ye Naqd dar Hadith., 2(3), 63-74. [In Persian] *Islam-Pazhouhi Biannual*
- Tabari, M. (1937). *Al-Aqabi reserves in Manaqib Dhu al-Qarabi*. Cairo: Al-Qudsi School. [In Arabic]
- Tabarsi, F. (1952). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosro Publications. [In Arabic]
- Tabatabai, M. (1996). *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*. Qom: The Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community of Teachers. [In Arabic]
- Taqi al-Din Helli, H. (1972). *Kitab al-Rijal*. Qum: Intisharat al-Sharif al-Radi. [In Arabic]

- Tha'labi Nishaburi, A. (2001). *Al-Kashf wa al-Bayan`an Tafsir al-Qur`an*. Beirut: Dar Ihya` al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Turaihi, F. (2003). *Selected for the design of Al-Marathi and Al-Khattab al-Mashthar* by: Al-Fakhri. Beirut - Lebanon: Est. Al-Alami Press. [In Arabic]
- Tusi, M. (1961). *Rizal al-Tawsi*. Qom: Al-Sharif Al-Razi Publications. [In Arabic]
- Zahili, W. (1997). *Al-Tafsir al-Munir fi al-'Aqidah wa al-Shari'ah wa al-Manhaj*. Beirut: Dar al-Fikr al-Mu'asir. [In Arabic]

Review of the Tradition “*isqūnī sharbatan min al-mā*” (Give me a sip of water) from the Perspective of Hadith Sciences

Mohammad Reza Shahroodi

Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran; mhshahroodi@ut.ac.ir

Mohammad Farahani

Assistant Professor, Department of Ma'arif, Islamic Revolution University, Tehran, Iran, (Corresponding author); Yasekabood.org@gmail.com

Received: 06/08/2022

Accepted: 26/11/2022

Introduction

Based on historical-traditional sources, one of the remaining sayings from Imam Hussein, peace be upon him, on the threshold of his martyrdom on the day of Ashūrā, is the passage *isqūnī sharbatan min al-mā*, meaning ‘request for water’ by him from his enemies. Some have doubted the attribution of this saying to the Imam and have considered it a fabricated. In resolving the conflict, it is noteworthy that this saying has been recorded in almost all the reliable sources of both sects. And others, with other similar passages, have brought it in their works so that eventually many contemporaries quote it. Given that the Imam’s request for water was in line with the fulfillment of the divine duty and mission, and dignity and humiliation are in obedience or disobedience to God’s commands, also based on the Shiite principle of ‘the kindness of the Imam’s existence, and ‘the necessity of self-preservation’ from the other side, this tradition is confirmed by presenting it to a current and verbal tradition of the Holy Prophet of God, (pbuh) and his family, which is useful for the above content.

Materials and Methods

There are two main perspectives regarding the traditional *isqūnī sharbatan min al-mā*: the viewpoint of critics who find this traditional incompatible with the dignity and status of Imam Hussein (as) and consider it fabricated, and the viewpoint of researchers who deem the mentioned traditional credible and have cited it in their works based on various sources. This article, referencing the story of Prophet Moses and Khidr in the Quran, as well as the tradition and practices of the Prophet Mohammad (pbuh) and the Ahl al-Bayt (as), seeks to present an argumentative perspective on the permissibility of seeking help from others under special circumstances and emphasizes the use

of critique and analysis of the traditional's chain of transmission and content, as well as the tools of hadith criticism, to achieve a better understanding of the traditional's authenticity and evidence. The research method employed in this article is a combination of descriptive and analytical approaches, which includes problem formulation, source review, analysis and critique of viewpoints, and conclusion drawing. In this regard, the article examines and analyzes historical and traditional sources and uses hadith criticism methods to assess the authenticity of the traditionals. It employs scientific and logical methods to examine and analyze a historical traditional, striving to evaluate its credibility and authenticity. The article consists of three main sections: introduction of transmitters, critique of the chain of transmission, and internal critique, in which it examines the chain of transmitters, their credibility, and the alignment of the traditional content with scientific standards.

Results and Findings

From the perspective of Hadith sciences, the famous sayings attributed to religious saints, including Imam Hussein (pbuh), whose entire phrases are not observed in early Musnads, are not of the type of fabricated Hadiths; as the meaning of some of these sayings can be found in other Isnaded traditionals with slight differences in authentic sources. In Ashūrā sources, there is evidence that the phrase “**isqūnī sharbatan min al-mā**” has been issued by Imam Hussein (pbuh). The sources of this phrase have a historical identity and its transmitters are also renowned scholars of *fariqayn*; therefore, they have the potential for citation. Therefore, without argument and evidence, their traditionals cannot be rejected. The traditional in question has been transmitted among the predecessors by Ibn Sa’d (d. 230 AH) as “*aṭash al-Ḥisayn fastasqā*” (Hussein was thirsty and asked for water), Dinawari (d. 282 AH) with the phrases “*wa aṭash al-Ḥisayn fada’ā biqadaḥin min al-mā*” (And Hussein was thirsty and asked for a cup of water), Abu al-Faraj Isfahani (d. 356 AH) in the form “*wa ja’ala al-Ḥisayn yaṭlubu almā*” (And Hussein began to ask for water), Ibn al-Jawzi (d. 510 AH) with the expression “*wa ṭalaba al-Ḥisayn mā’an yashribuhu*” (And Hussein asked for water to drink). This traditional has gained more fame among the later generations. Muhib al-Din Ṭabarī (d. 615 AH) in the form of “*isqūnā mā’an*” (Give us water) (Ṭabarī, 1356: 144), Seyyed ibn Tawus (d. 664 AH) in the form of “*fastasqā fī tilk al-ḥāl mā’an*” (He asked for water in that state) and Ibn Nama Helli (d. 680 AH) with the expression “... *thumma qaṣadūhu ‘alayhi al-salam bi al-ḥarb wa ja’alūhu shilwam min kathrati al-ṭa’ni wa al-dharbi wa huwa yastaqīsharbatan min al-mā’...*” (Ibn Nama, 1406 AH: 38) has been transmitted regardless of dozens of scholars after the seventh century. Considering the works of the first reporters of Ashūrā, it is known that this traditional, from the beginning

of the Maqṭal writing, has been subject to semantic transmission and in the last century in the works of later Maqṭal transmitters or the organizers of their works, in the form of the sentence “**isqūnī sharbatan min al-mā**”, it has gained double fame. With the presentation of this sentence to the Holy Quran, for asking for water, which is a kind of “*isti’ānat*” (seeking help), examples such as Lot’s request for help from his people in confronting them with divine agents are found. Also, for this traditional in the tradition of the last Prophet (pbuh), there is an example in one of the battles in which according to it, the last Messenger (pbuh) has exactly asked for water with the phrase “Is there a helper with water”. Based on the Shiite view of Imamate, it is reasonable that Imam Hussein (as) does what is related to the divine command; it is even possible that he has been commanded to “ask for water”, to complete the argument with the enemies of God, and to reveal the peak of his oppression and the harshness and cowardice of Bani Umayyah to everyone. In addition to this, the reason of intellect and the tradition of intellectuals also indicate the validity of the issuance of this traditional; because logically, the Imam’s asking for water is associated with his survival and the continuation of divine grace on the servants.

Conclusion

Although some have doubted the attribution of the phrase “**isqūnī sharbatan min al-mā**” to Imam Hussein (as) and have considered it a fabricated; but this word has been recorded in almost all credible sources of fariqyn. Given that Imam’s request for water was in line with the performance of divine duty and mission, and honor and humiliation are in obedience or disobedience to God’s commands, also based on the Shiite principle of “the kindness of the existence of Imam Hussein (as)” and “the necessity of self-preservation”; this tradition is confirmed by presenting it to a practical and verbal tradition of the Prophet of God (pbuh) which is useful for the above content. Also, in measuring this traditional with the reason, we find that not only is there no contradiction between these two, but the independent reason, because this traditional itself contains the completion of the argument and guidance through this means for the religion of God, puts its validity on it; such that in the tradition of intellectuals, asking for water is not a matter mixed with humiliation unlike other requests.

Keywords: Imam Hussein (as), Ashūrā, Karbala, isqūnī, istisqā’.